

## دریچه



خبرگزاری ایرنا

## آموزش قرن ۲۱

## گرفتار سنت‌های قرن بیستمی

**[ادامه از صفحه اول]** اما در عمل، تمرکز بر کلاس درسی که دانش‌آموزان در دنیای‌های صندلی روبه‌روی معلم می‌نشستند باقی ماند. از دانش‌آموزان انتظار می‌رفت که مطالب درسی را بنویسند و فرصت زیادی برای صحبت کردن نداشتند. این روش آموزشی نمی‌توانست دانش‌آموزانی بار بیاورد که قادر به تفکر باشند و معمولاً به تکرار مطالب معلم و کتاب‌های درسی بسنده می‌کردند. برای تغییر این روند، توانمندسازی معلمان و ایجاد انگیزه در آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، هرچند بیشتر معلمان علاقه‌مند به ادامه روند قبلی بودند. به همین دلیل بر نیروهای تازه‌کار تمرکز شد و توانمندسازی معلمان در سال‌های ابتدایی کارشان مورد تأکید قرار گرفت. در خصوص برخورد با رویکردهای جدید آموزش، تفاوت‌هایی میان معلمان زن و مرد مشاهده می‌شود. نتایج پژوهشی که در دانشگاه تیلور مالزی انجام گرفت، نشان می‌دهد که زنان بیشتر به آموزش و پرورش دانش‌آموز محور رغبت نشان می‌دهند. از سوی دیگر، زنان اعتماد به نفس کمتری در استفاده از کامپیوتر در آموزش دارند. زنان بیشتر تمایل دارند که فناوری را از دیگران بیاموزند، در حالی که مردان بیشتر تمایل دارند از تجربیات خودشان بیاموزند. درباره دانش‌آموزان هم این بحث همواره وجود داشته که مهارت‌های دانش‌آموزان دختر و پسر باید تفاوت‌هایی داشته باشد چون در محیط‌های متفاوتی هستند که شرایط مشابهی ندارد.

طبیعی است که شرایط محیطی و فرهنگی هم در نوع آموزش تعیین‌کننده باشد. به عنوان مثال، آموزش در آسیای شرقی اخلاقی است که «قابل اعتماد بودن»، هماهنگی اجتماعی و یکدلی را تبلیغ می‌کند؛ یا در اروپا تلاش‌های آغازین برای تنظیم مقررات آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها بر هفت چشم‌انداز هنرهای آزاد متمرکز بود: گرامر، منطق، بلاغت، علم حساب، هندسه، موسیقی و ستاره‌شناسی.

به عنوان مثال، برنامه درسی امروز استرالیا از هر دو رویکرد تشکیل شده است. این برنامه مفاهیم اخلاقی از جمله وحدت، درک اخلاقی و یکدلی را در کنار علوم معمول در برنامه درسی دارد.

بیل لوکاس، پروفیسور رشته آموزش و مدیر گروه آموزش جهان واقعی در دانشگاه وینچستر در مقاله‌ای سیستم آموزش استرالیا را تحلیل کرده که در آن آمده است: «در استرالیا امروز بحث بر سر این است که برنامه درسی مدارس تا چه حد باید دانش و مهارت را دربر بگیرد. ما این موضوع را درک می‌کنیم که ممکن نیست آموزش را به این آلترناتیوهای دوگانه تقلیل دهیم. سازمان‌هایی در سراسر جهان بر ضرورت آموزش چیزی فراتر از دانش و مهارت‌ها تأکید می‌کنند.»

## مهارت‌های قرن ۲۱: فراتر از آمادگی برای ورود به دانشگاه

یکی از انتقادهای رایج به سیستم آموزشی قرن بیستم این بود که دانش‌آموزان را برای ورود به دانشگاه آماده می‌کند نه برای ورود به بازار کار. هنوز هم این انتقاد به بیشتر نظام‌های آموزشی وارد است که در قرن ۲۱، آموزش‌های قرن بیستم را به دانش‌آموزان می‌دهند. بدون داشتن مهارت‌های قرن ۲۱ امکان مشارکت در اقتصاد جهانی و رقابت در بازار کار وجود ندارد.

## اما مهارت‌های قرن ۲۱ چیست؟

بر اساس مطالعه‌ای که دانشگاه تیلور مالزی درباره قابلیت‌های دانش‌آموزان امروز انجام داد، مهارت‌های قرن بیستم و یکم تنها به یکسری مهارت و دانش محدود نمی‌شود، بلکه با را از این فراتر گذاشته و عادت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی را شامل شده است. به منظور تحقق این هدف، یک موسسه حقوقی آمریکایی چارچوب راهبردی آموزشی را مشخص کرده است.

بر این اساس، توانایی‌های فرهنگی و اجتماعی به اندازه سواد دیجیتال و رسانه‌ای مهم است. این توانایی‌ها مطابق با دیگر مهارت‌های کلیدی از جمله حل مسئله به صورت مشارکتی، انطباق‌پذیری، قابلیت انجام همزمان چند کار، شناخت تعمیمی، هوش انتخابی، ایجاد شبکه و چانه‌زنی هستند. این مهارت‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد: مهارت‌های آموزش و خلاقیت، مهارت‌های زندگی و شغل، مهارت‌های اطلاعات، رسانه و فناوری.

مرکز پژوهشی هانور (Hanover Research) ۶ چارچوب طراحی شده برای بهبود مهارت‌های قرن ۲۱ را مورد بررسی قرار داده است. با وجود تفاوت‌های جزئی، تقریباً همه آنها درباره این چهار مهارت توافق داشتند: ۱- همکاری و کارگروهی ۲- خلاقیت و تصور ۳- تفکر انتقادی ۴- حل مسئله. در مرحله دوم، این چهار مهارت مهم شمرده می‌شوند: ۱- قابلیت انطباق ۲- آگاهی جهانی و فرهنگی ۳- سواد اطلاعاتی ۴- رهبری.

این مرکز پژوهشی آمریکایی اعلام کرد که در ۴ چارچوب از ۶ چارچوب آموزش مورد بررسی، موارد زیر به چشم می‌خورد: ۱- سواد مدنی و شهروندی ۲- مهارت‌های ارتباطی شفاهی و کتبی ۳- مسئولیت اجتماعی و اخلاقی ۴- سواد تکنولوژی ۵- ابتکار عمل- مواردی که در این پژوهش مطرح شده، می‌تواند راهنمای راهبردهای آموزشی باشد. این موارد چیزی فراتر از مباحثی همچون میزان و نحوه استفاده دانش‌آموزان از کامپیوتر و تلفن همراه و برخوردهای سلبی با تکنولوژی است. □



## نگاهی به عملکرد آموزش و پرورش در حوزه مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان

## فقر مهارت‌های ارتباطی



وقتی معلم سر کلاس از آنها می‌پرسد که یاد گرفته‌اند، می‌ترسند بگویند نه. در حل مسأله مشکل دارند، تک‌تبعی شده‌اند و فکر می‌کنند پدر و مادرشان از آنها حمایت می‌کنند و نیازی نیست خودشان تلاش کنند. «او درباره مهارت‌های ریاضی دانش‌آموزان می‌گوید: «ریاضی را یاد نمی‌گیرند، حفظ می‌کنند. روی نقشه موبایل جهت‌های شمال و جنوب را تشخیص نمی‌دهند یا دیر تشخیص می‌دهند. البته این مشکل در نسل‌های قبلی هم وجود داشت، اما در نسل امروز بیشتر است، ولی استثناهایی هم بین دانش‌آموزان هست.»

## ریاضیات باید به حل مسائل زندگی واقعی پیوند بخورد

ژیلا محمدی، دبیر دبیرستان هم به این موضوع اشاره می‌کند که دانش‌آموزان باید مهارت‌های ابتدایی همچون خوب حرف زدن، سوال کردن و نه گفتن را یاد بگیرند: «بلبل زبانی با حرف زدن درست متفاوت است. همین که نمی‌توانند پرسشی را که در نظر دارند در قالب سوال مطرح کنند یا نکته‌ای را که می‌خواهند بگویند به‌طور مختصر و مفید بیان کنند، به این معنی است که ضعف مهارت ارتباطی دارند.»

به اعتقاد این دبیر دبیرستان، حل معادلات ریاضی همچون حل مشکلات و مسائل زندگی است؛ «چقدر خوب است که معلمان و دانش‌آموزان به صورت جمعی مسائل و مشکلات را حل کنند، یا سولاتی مطرح کنند و به دنبال راه حل‌های متعدد باشند تا ریاضیات و معادلات چندمجهولی را به این ترتیب یاد بگیرند.»

او می‌افزاید: «در درس دینی که «پیام‌های آسمانی» نام گرفته، دانش‌آموزان باید مسائل ریشه‌ای را بیاموزند، از جمله اینکه راست بگویند و دروغ مصلحتی نگویند. این درس به‌خصوص در متوسطه دوم باید به‌گونه‌ای ارائه شود که بچه‌ها حوصله گوش کردن داشته باشند.» این دبیر آموزش و پرورش معتقد است در شرایط امروز که بیشتر خانواده‌ها کارهای بچه‌هایشان را انجام می‌دهند، فرصت یادگیری مهارت‌های اولیه تنها زندگی کردن از آنها سلب می‌شود و مدارس هستند که باید آموزش‌هایشان را با شرایط روز مطابق و این کمبودها را جبران کنند.»

## اطلاعات کتاب‌های درسی را در شبکه‌های اجتماعی خوانده‌ایم

امیرحسین، دانشجوی سال سوم رشته ارتباطات، که سه‌سال پیش دیپلم گرفته، بر این باور است که مشکل آموزشی مدارس در دانشگاه‌ها هم ادامه پیدا می‌کند. او به ضعف دانش‌آموزان در تکنیک‌های یادگیری و خواندن اشاره می‌کند: «در مدرسه تفکر

## [شهروند] رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزشی به‌تازگی در گفت‌وگویی رسانه‌ای از حذف انتگرال از کتاب‌های ریاضی دوره متوسطه خبر داده و گفته است که بچه‌ها باید در دانشگاه انتگرال بخوانند، نه در مدرسه. حجت‌الاسلام علی ذوعلم با بیان اینکه چه بسا حقیقتات بیشتری از کتاب ریاضی مورد نیاز باشد، تصریح کرد که مباحثی همچون انتگرال باید کنار بیرون تا «جای برای مهارت و سبک زندگی باز شود».

سال گذشته، کارشناسان انتصاب ذوعلم را به‌عنوان رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، که «مغز دستگاه آموزش و پرورش» خوانده می‌شود، چرخشی در سیاست‌های دولت در آموزش و پرورش تعبیر کردند. ذوعلم اکنون به‌عنوان رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصریح می‌کند: «انتقادها به ما این است که چرا دانش‌آموزان باید همه چیز را در مدرسه بخوانند؟ آنها باید برای زندگی آماده شوند و بتوانند گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند.»

این انتقادها را به برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان فردی مطرح می‌کند که خود حدود دو دهه است در زمینه برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی فعالیت می‌کند. حجت‌الاسلام ذوعلم در دهه ۱۳۸۰ مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی کتب درسی بود و از سال ۱۳۹۰ تا آذر ۱۳۹۷ ریاست پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی را به‌عهده داشت. او از دهه ۸۰ درباره کاهش حجم کتب درسی، تأکید بر مهارت‌های زندگی و تدوین درس حرفه و فن به روش چندتالیفی سخن می‌گفت.

موضوع حذف انتگرال که امروز مطرح شده، برای رشته‌های علوم پایه و مهندسی از حساسیت بالایی برخوردار است. با توجه به اینکه معمولاً فرمول‌های ریاضیات در مدرسه آموزش داده می‌شود در دانشگاه معادلات گسترش می‌یابد، یادگیری مباحث پایه‌ای ریاضیات در دانشگاه مشکل به نظر می‌رسد. حذف این مباحث اصلی ممکن است موجب شود نیروی متخصص هیچ‌گاه آنها را نیاموزد، اما در مقابل حذف انتگرال چه چیزی به‌دست می‌آید؟ به گفته رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتگرال به نفع مهارت‌های زندگی کنار می‌رود. این گفته، یادآور صحبت‌هایی است که حجت‌الاسلام علی ذوعلم مردادماه ۱۳۸۵ در نشست اعلام برنامه‌های دفتر برنامه‌ریزی کتب درسی داشت: «در نظر گرفتیم که توجه به آداب و مهارت‌های زندگی را بیشتر در کتاب‌های درسی مورد توجه قرار دهیم.» چهارده سال از زمانی که این گفته‌ها مطرح شد، می‌گذرد، اما پای صحبت معلمان و دانش‌آموختگان سیستم آموزش و پرورش که بنشین، از ضعیف‌تر شدن مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان می‌گویند.

## برقراری ارتباط: مهم‌ترین مشکل مهارتی

سعید گروسی، معاون دبیرستان پسرانه‌ای در تهران، معتقد است که دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌ها بسیار ضعیف هستند، هر چند در بعضی مهارت‌ها بهتر عمل می‌کنند: «همین چند روز پیش، به مناسبت دهه فجر جام پلی‌استیشن برگزار کردیم و متوجه شدیم دانش‌آموزان استادانه این کار را انجام می‌دهند، به‌طور کلی بعضی مهارت‌ها را با علاقه بسیاری یاد می‌گیرند؛ مثلاً در کلاس تئاتر بازی‌هایی ارائه می‌دهند که فکر می‌کنی سال‌ها بازیگر بوده‌اند، فوتوشاپ را سریع یاد می‌گیرند، هرچه در زمینه وب و اینترنت باشد خوب انجام می‌دهند. از سوی دیگر، مهارت‌های ساده‌ای همچون اره کردن، برش زدن و پیچ بستن را ندارند.»

این معاون دبیرستان ادامه می‌دهد: «مهم‌ترین مشکل مهارتی بچه‌ها در برقراری ارتباط است. بسیار کم‌رو هستند، حتی سلام و احوالپرسی نمی‌کنند.

## تجربه تعامل با محوریت ایران من

دوره جدید جشنواره «ایران من» که هر سال در مدرسه مفید منطقه ۲ تهران برگزار می‌شود، امسال هم با مشارکت دانش‌آموزان این مدرسه برگزار شد. مسئولان این مدرسه می‌کشند از طریق این جشنواره دانش‌آموزان پایه هفتم مدرسه با مردم نواحی مختلف ایران آشنا شوند و از همین روستا که تمامی جزئیات برگزاری جشنواره هم برعهده دانش‌آموزان پایه هفتم است.

علیرضارزاقی، دبیر مطالعات اجتماعی پایه هفتم مدرسه مفید درباره تازه‌ترین دوره این جشنواره به «شهروند» گفت: «در این جشنواره بچه‌ها بر اساس علاقه خود استان‌هایی را که دوست دارند، انتخاب می‌کنند. ممکن است پدر و مادر دانش‌آموزی اهل شهری خاص باشد یا دانش‌آموزی آن شهر سفر کرده به آن علاقه داشته باشد.» به گفته رزاقی در جشنواره «ایران من» بچه‌ها در پوست‌های معرفی نام‌هایی درباره افراد معروف، مکان‌های دیدنی و سوغات یک شهر توضیح می‌دهند و سوغات آن شهردار در روز جشنواره به فروش می‌رسانند

فضایی تعاملی تر تجربه کنند. □